



جغرافیا و روابط انسانی، بهار ۱۴۰۵، دوره ۹ شماره ۱، صص ۵۰۸-۴۹۵

پیامدهای توسعه گردشگری ورزشی در شرایط تحریم

سید سجاد محمدی زاد^۱، اسماعیل ویسیا^{۲*}، مریم کریمی^۳

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۲- گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

vaysia@scu.ac.ir

۳- استادیار گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۱۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۱/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۰۹

چکیده

هدف پژوهش حاضر، شناسایی و تبیین پیامدهای توسعه گردشگری ورزشی در شرایط تحریم‌های بین‌المللی و بهره‌گیری از این ظرفیت در جهت برون‌رفت ایران از وضعیت تحریمی است. این پژوهش از نوع کیفی انجام شده است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۴ نفر از خبرگان و متخصصان حوزه گردشگری ورزشی در ایران طی ژانویه تا آوریل ۲۰۲۵ جمع‌آوری و تا حد اشباع نظری ادامه یافت. تحلیل داده‌ها منجر به شناسایی پنج مقوله محوری از پیامدهای توسعه گردشگری ورزشی در شرایط تحریم شد: پیامدهای اقتصادی (رشد درآمدهای ارزی غیرنفتی، اشتغال‌زایی پایدار، جذب سرمایه‌های داخلی و جمعی)؛ پیامدهای فرهنگی-اجتماعی (انسجام ملی، کاهش فشار روانی، امیدآفرینی و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی)؛ پیامدهای بین‌المللی-سیاسی (بازسازی تصویر ایران در رسانه‌های خارجی، کاهش ایران‌هراسی، دیپلماسی ورزشی به‌عنوان اهرم نفوذ نرم)؛ پیامدهای زیرساختی-محیطی (بهبود حمل‌ونقل، ارتقای استانداردهای زیست‌محیطی، ساماندهی بافت فرسوده)؛ پیامدهای رسانه‌ای و برندینگ (ارتقای برند ملی، تولید محتوای الهام‌بخش، رقابت‌پذیری منطقه‌ای). برخلاف پژوهش‌های پیشین که عمدتاً بر پیامدهای منفی تحریم متمرکز بوده‌اند، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که گردشگری ورزشی می‌تواند با ایجاد کانال‌های ارتباطی غیررسمی، بازسازی برند ملی از طریق دیپلماسی عمومی معکوس، و توسعه درون‌زا و تاب‌آور، به‌عنوان یک راهبرد ژئوپلیتیکی هوشمندانه عمل کرده و تهدید تحریم را به فرصتی برای توسعه پایدار تبدیل نماید. سرمایه‌گذاری هدفمند و میان‌بخشی در این حوزه می‌تواند نقش کلیدی در عبور ایران از شرایط تحریمی ایفا کند.

کلیدواژه‌ها: گردشگری ورزشی، تحریم‌های بین‌المللی، پیامدهای توسعه، دیپلماسی ورزشی، اقتصاد مقاومتی.

در آستانه نیمه دوم قرن بیست و یکم، صنعت گردشگری به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و پویاترین پدیده‌های اقتصادی-اجتماعی جهان شناخته می‌شود. این صنعت که در ادبیات توسعه از آن به عنوان «صنعت طلوع آفتاب» یاد می‌شود، نقشی فراتر از یک فعالیت اقتصادی ساده ایفا می‌کند و به مثابه موتور محرکه توسعه پایدار، فقرزدایی، تولید ثروت و ارتقای کیفیت زندگی جوامع عمل می‌نماید. (Rungkat et al., 2024) در عصر جهانی شدن، گردشگری به یکی از مؤثرترین سازوکارهای توزیع مجدد ثروت و ایجاد فرصت‌های شغلی در سطوح محلی، ملی و فراملی تبدیل شده است. (R. Li & Ling, 2025) در سالهای اخیر، صنعت گردشگری با رشد چشمگیری مواجه شده و به یکی از بزرگترین و مهمترین صنایع جهان تبدیل گشته است که درآمد قابل توجهی به همراه دارد، بر اساس پیشبینی‌ها، تعداد گردشگران بین‌المللی همچنان روندی افزایشی خواهد داشت و این امر نشان دهنده اهمیت فزاینده گردشگری در اقتصاد جهانی است (آریایار و همکاران، ۱۴۰۵). آنچه گردشگری را از بسیاری از بخش‌های اقتصادی متمایز می‌سازد، زنجیره ارزش گسترده آن است که ده‌ها صنعت مرتبط از حمل و نقل و اقامت گرفته تا غذا، فرهنگ و خدمات را در بر می‌گیرد و به همین دلیل، سرمایه‌گذاری در این حوزه، بازتولیدکننده رونق در سایر بخش‌هاست. در میان زیربخش‌های متنوع صنعت گردشگری، گردشگری ورزشی در دو دهه اخیر جایگاهی منحصربه‌فرد یافته و به سرعت در حال تبدیل شدن به یکی از سودآورترین و پرشتاب‌ترین بخش‌های این صنعت است. گردشگری ورزشی را نه می‌توان صرفاً یک فعالیت تفریحی تلقی کرد و نه صرفاً یک رویداد اقتصادی؛ بلکه می‌توان آن را به مثابه یک پدیده چندبعدی اجتماعی-فرهنگی-اقتصادی تعریف کرد که از تعامل منحصربه‌فرد سه رکن اساسی «فعالیت بدنی»، «انسان‌ها» و «مکان‌ها» نشأت می‌گیرد (بروجردی و همکاران، ۱۴۰۲). گردشگری ورزشی به عنوان یکی از بخش‌های مهم و ویژه در صنعت گردشگری شناخته می‌شود؛ این نوع گردشگری با رشد سریعی که دارد و به دلیل جاذبه‌های خاص خود، توجه بسیاری از گردشگران و سازمان‌های فعال در حوزه گردشگری را به خود جلب کرده است و به عنوان یکی از عوامل مهم در توسعه پایدار و تقویت اقتصاد محلی شناخته می‌شود (علیدوست و همکاران، ۱۴۰۴). بر اساس تعریف رسمی سازمان جهانی گردشگری، گردشگری ورزشی به تمامی سفرهایی اطلاق می‌شود که انگیزه اصلی یا فرعی آنها مشارکت در فعالیت‌های ورزشی (اعم از رقابتی یا تفریحی) یا تماشای رویدادهای ورزشی است. این طیف عظیم، از ابررویدادهایی نظیر المپیک و جام جهانی فوتبال که میلیون‌ها تماشاگر را جذب می‌کنند، تا ورزش‌های مشارکتی و طبیعت‌محور مانند ماراتن‌های بین‌المللی، دوچرخه‌سواری کوهستان، اسکی، غواصی و حتی ورزش‌های ماجراجویانه را شامل می‌شود. (Chen & Pu, 2025) آنچه گردشگری ورزشی را از سایر اشکال گردشگری متمایز می‌کند، هم‌افزایی راهبردی میان دو صنعت عظیم ورزش و گردشگری است. گردشگری ورزشی از یک سو، مفاهیم و جاذبه‌های ورزشی را به دایره شناخت گردشگران وارد می‌کند و از سوی دیگر، ابعاد تازه‌ای از تجربه سفر (مانند هیجان، چالش فیزیکی و همذات‌پنداری با قهرمانان) را به ادبیات گردشگری می‌افزاید. به همین جهت، صاحب‌نظران این حوزه را «پل طلایی» میان ورزش و گردشگری نامیده‌اند که هر دو سوی این پل از عبور و مرور منتفع می‌شوند. (R. Li & Ling, 2025) از منظر اقتصادی، گردشگری ورزشی مزایای متعددی برای جوامع

¹ Mega-events

میزبان به همراه دارد که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به ایجاد اشتغال مستقیم و غیرمستقیم از راهبران تور گرفته تا کادر فنی رویدادها هتل‌ها، رستوران‌ها، فروشگاه‌های تجهیزات ورزشی توسعه زیرساخت‌های حمل و نقل و ارتباطاتی که حتی پس از اتمام رویداد نیز به کار جامعه محلی می‌آید، و نهایتاً تقویت برند ملی مقصد به عنوان یک مقصد پویا، امن و بین‌المللی اشاره کرد (Raso & Cherubini, 2023). با این حال، تحقق این پتانسیل‌های چشمگیر در کشورهای در حال توسعه و به‌ویژه کشورهای که در معرض تحریم‌های بین‌المللی یک‌جانبه یا چندجانبه قرار دارند، با موانع ساختاری، نهادی و ادراکی جدی مواجه است. تحریم‌های اقتصادی، از دیرباز به عنوان یکی از ابزارهای سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ برای اعمال فشار بر دولت‌های هدف، بدون توسل به زور نظامی، مورد استفاده قرار گرفته‌اند (گرگی و همکاران، ۱۴۰۲). اما آنچه در سه دهه اخیر تغییر کرده، گسترش دامنه تحریم‌ها از محدودیت‌های محض تجاری به حوزه‌های مالی، بانکی، فناوری، حمل و نقل هوایی، ممنوعیت‌های سفر فردی و گروهی، و حتی تحریم‌های نمادین علیه رویدادهای فرهنگی و ورزشی است (Khalid et al., 2024). در این میان، تحریم‌های گردشگری شکل خاصی از اقدامات فهری ژئوپلیتیکی هستند که طی آن، یک دولت یا ائتلافی از کشورها، سفر شهروندان خود یا اتباع کشور ثالث را به یک مقصد خاص محدود یا ممنوع می‌کنند تا از این طریق امتیازات سیاسی، اقتصادی یا امنیتی از کشور هدف اخذ نمایند. برخلاف کنترل‌های مرزی معمول (مانند الزام به اخذ ویزا یا محدودیت‌های ورودی مبتنی بر سلامت)، تحریم‌های گردشگری «علیه شهروندان کشور تحریم‌کننده» عمل می‌کند نه «علیه اتباع کشور هدف» (Chung, Paik, & Kim, 2025). مقاصد گردشگری، ذاتاً در برابر بحران‌های ژئوپلیتیکی و تحریم‌ها بسیار شکننده و آسیب‌پذیر هستند. این آسیب‌پذیری ریشه در ماهیت ناملموس و مبتنی بر اعتماد محصول گردشگری دارد. یک گردشگر بالقوه، پیش از هرگونه تصمیم به سفر، به دنبال تصویر ذهنی مثبت، احساس امنیت و ثبات سیاسی در مقصد است. تصویرسازی از یک مقصد به عنوان «منطقه‌ای خطرناک»، «ناپایدار»، «منزوی بین‌المللی» یا «تحت فشار همه‌جانبه»، سیگنال‌های منفی و بازدارنده‌ای به بازار جهانی گردشگری مخابره می‌کند (Khalid et al., 2024). در چنین شرایطی، حتی اگر واقعیت عینی یک مقصد با تصویر تحریمی آن تفاوت داشته باشد، ادراک عمومی از خطر، اراده سفر را تضعیف می‌کند. تحریم‌ها همچنین از مجرای اخلال در سیستم‌های پرداخت بین‌المللی نظیر سوئیفت قطع یا کاهش پروازهای خطوط هوایی خارجی، بازدارندگی سرمایه‌گذاران خارجی از ورود به پروژه‌های زیرساختی گردشگری و افزایش هزینه‌های بیمه سفر، به طور غیرمستقیم جریان ورودی گردشگران را کاهش می‌دهند یا مسیر آن‌ها را منحرف می‌سازند (مظاهری و خاکسار، ۱۴۰۴).

در میان تمامی کشورهای که در دو دهه اخیر با تحریم‌های گسترده بین‌المللی مواجه بوده‌اند، جمهوری اسلامی ایران شاید پیچیده‌ترین و طولانی‌ترین تجربه را داشته است. تحریم‌ها علیه ایران از دهه ۱۹۹۰ آغاز شد و پس از تشدید تدریجی، در دهه ۲۰۱۰ به اوج خود رسید. امضای برجام در ژوئیه ۲۰۱۵ و لغو تحریم‌ها در ژانویه ۲۰۱۶، دوره کوتاهی از گشایش اقتصادی و رونق گردشگری را برای ایران به ارمغان آورد، به طوری که ایران در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ جزو پنج مقصد گردشگری با سریع‌ترین رشد جهانی قرار گرفت و سرمایه‌گذاران خارجی متعددی برای توسعه هتل‌ها و زیرساخت‌های گردشگری به ایران جذب شدند. با این حال، خروج یک‌جانبه ایالات متحده از

¹ Joint Comprehensive Plan of Action

برجام در مه ۲۰۱۸ و اعمال مجدد تحریم‌ها، این رونق نوپا را متوقف ساخت. خطوط هوایی بزرگ اروپایی و آسیایی پروازهای خود به تهران را تعلیق کردند، گول‌های بین‌المللی هتلداری پروژه‌های خود را رها کردند، بانک‌های خارجی هرگونه تراکنش مرتبط با صنعت گردشگری ایران را مسدود نمودند و عملاً جریان سرمایه و گردشگر ورودی به ایران به کمترین سطح تاریخی خود سقوط کرد (گرچی و همکاران، ۱۴۰۲).

اما نکته در خور تأمل و مغفول‌مانده در ادبیات موجود آن است که علی‌رغم انبوه پژوهش‌هایی که به آثار مخرب تحریم‌ها بر گردشگری عمومی پرداخته‌اند، تأثیر تحریم‌ها به طور مشخص و بومی بر زیربخش گردشگری ورزشی کمتر مورد مذاقه نظری و تجربی قرار گرفته است. این خلأ پژوهشی با توجه به سه عامل زیر بحرانی‌تر می‌شود: اول، گردشگری ورزشی به دلیل ماهیت رویدادمحور و برنامه‌ریزی بلندمدت خود، بیش از گردشگری تفریحی عمومی در معرض اختلالات ژئوپلیتیکی قرار دارد. دوم، بسیاری از رویدادهای ورزشی بین‌المللی مستلزم میزبانی سیاسی، تضمین‌های امنیتی و مشارکت فدراسیون‌های جهانی هستند که همگی با تحریم‌ها دچار مخاطره می‌شوند. سوم، ایران با برخورداری از ظرفیت‌های کم‌نظیر طبیعی (مناطق کوهستانی مانند دماوند و توچال، مناطق کویری بکر، سواحل خلیج فارس و دریای خزر، آب‌های گرم معدنی و ...) و زیرساخت‌های ورزشی نسبتاً توسعه یافته، پتانسیل بالایی برای تبدیل شدن به یک قطب گردشگری ورزشی در غرب آسیا دارد (سیف پناهی و همکاران، ۱۴۰۱).

از این رو، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که: در سایه محدودیت‌های چندلایه ناشی از تحریم‌های بین‌المللی (شامل محدودیت‌های مالی، حمل و نقلی، ارتباطی، رسانه‌ای و ادراکی)، پیامدهای توسعه گردشگری ورزشی در شرایط تحریم چیست و چه کمکی می‌تواند به ایران عزیزمان برای برون رفت از این وضعیت تحریمی کند؟

پیشینه پژوهش

در دهه‌های اخیر، گردشگری ورزشی به‌عنوان یکی از پویاترین زیربخش‌های صنعت گردشگری مورد توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران قرار گرفته است. مطالعات متعدد نشان می‌دهد که گردشگری ورزشی، به‌واسطه هم‌افزایی میان فعالیت‌های ورزشی، جاذبه‌های طبیعی و فرهنگی و زیرساخت‌های گردشگری، نقشی کلیدی در رشد اقتصادی، توسعه منطقه‌ای و ارتقای تصویر مقصد ایفا می‌کند (Rangkuti et al., 2024) در این راستا، پژوهش‌ها بر اهمیت برگزاری رویدادهای ورزشی، توسعه ورزش‌های مشارکتی و بهره‌برداری از منابع طبیعی و فرهنگی به‌عنوان پیشران‌های اصلی توسعه گردشگری ورزشی تأکید داشته‌اند (Fauzi et al., 2025; Surahman et al., 2025) بخش قابل توجهی از ادبیات موجود، بر توسعه گردشگری ورزشی در شرایط عادی و باثبات متمرکز بوده است. برای مثال، Li and Ling (2025) نشان دادند که توسعه پایدار گردشگری ورزشی می‌تواند به‌طور مستقیم به رشد اقتصادی و افزایش اشتغال در مقاصد شهری منجر شود. همچنین Chen and Pu (2025) با بررسی اقتصاد گردشگری ورزشی چین، بر نقش سیاست‌گذاری کلان، سرمایه‌گذاری دولتی و مشارکت بخش خصوصی در شکل‌گیری اکوسیستم رقابتی گردشگری ورزشی تأکید کردند. این مطالعات اگرچه چارچوب‌های ارزشمندی برای

¹ Competitive Ecosystem

توسعه گردشگری ورزشی ارائه می‌دهند، اما عمدتاً در بسترهای فاقد تنش‌های ژئوپلیتیکی و محدودیت‌های بین‌المللی انجام شده‌اند. در مقابل، ادبیات مربوط به تأثیر تحریم‌ها و بحران‌های ژئوپلیتیکی بر گردشگری، عمدتاً بر گردشگری عمومی متمرکز بوده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تحریم‌های اقتصادی و سیاسی، از طریق تضعیف تصویر مقصد، کاهش امنیت ادراک شده، محدودیت‌های حمل و نقل و اختلال در مبادلات مالی، منجر به افت معنادار جریان گردشگران می‌شوند. (Khalid et al., 2024). گرجی و همکاران (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای تجربی نشان دادند که تصویر ذهنی منفی ناشی از تحریم‌ها، حتی در میان گردشگرانی که تجربه سفر به مقصد تحریم شده را داشته‌اند، می‌تواند بر قصد بازدید مجدد و توصیه مقصد اثر منفی بگذارد. همچنین چانگ و همکاران (۲۰۲۵) با تحلیل تطبیقی تحریم‌های گردشگری، تحریم‌ها را ابزاری هدفمند در سیاست خارجی دانستند که آثار آن فراتر از اقتصاد، به ادراکات اجتماعی و رفتار گردشگران تسری می‌یابد.

در زمینه ایران، تعداد مطالعاتی که به‌طور خاص به پیامدهای تحریم‌ها بر صنعت گردشگری پرداخته‌اند، محدود است و اغلب تمرکز آن‌ها بر گردشگری ورودی یا تصویر مقصد بوده است. یافته‌های این پژوهش‌ها حاکی از آن است که بازگشت تحریم‌ها پس از سال ۲۰۱۸، منجر به خروج سرمایه‌گذاران خارجی، کاهش پروازهای بین‌المللی و افت شدید ورود گردشگران شده است (گرجی و همکاران، ۱۴۰۲). با این حال، بررسی نظام‌مند توسعه گردشگری ورزشی در چنین شرایطی، به‌ویژه از منظر راهبردهای بومی و تاب‌آور، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از سوی دیگر، مطالعات محدودی با رویکرد کیفی و نظریه‌پردازانه به توسعه گردشگری ورزشی پرداخته‌اند غریب زاده و همکاران (۲۰۲۳) با استفاده از رویکرد نظریه داده‌بنیاد، مدلی برای توسعه گردشگری ورزشی ارائه کردند، اما متغیر تحریم و محدودیت‌های ژئوپلیتیکی در مدل پیشنهادی آن‌ها نقش محوری نداشت. این خلأ پژوهشی نشان می‌دهد که علی‌رغم اهمیت فزاینده گردشگری ورزشی برای اقتصاد کشورهای در حال توسعه، چارچوب‌های مفهومی موجود توان تبیین پویایی‌های این صنعت را در شرایط تحریم به‌طور کامل ندارند.

در مجموع، مرور ادبیات نشان می‌دهد که اگرچه پژوهش‌های ارزشمندی در حوزه گردشگری ورزشی و نیز تأثیر تحریم‌ها بر گردشگری انجام شده است، اما مطالعه‌ای که به‌طور خاص و یکپارچه به پیامدهای توسعه گردشگری ورزشی در بستر تحریم‌های بین‌المللی بپردازد، به‌ویژه با رویکرد کیفی و بومی، همچنان مغفول مانده است. این شکاف پژوهشی ضرورت انجام مطالعات اکتشافی و نظریه‌پردازانه را برجسته می‌سازد؛ مطالعاتی که بتوانند تعامل میان عوامل ساختاری، ادراکی و راهبردی را در شرایط تحریمی تبیین کرده و چارچوبی کاربردی برای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری ارائه دهند.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نوع کیفی و با هدف اکتشافی-تبیینی انجام شده است. با توجه به هدف اصلی پژوهش که شناسایی و مقوله‌بندی پیامدهای توسعه گردشگری ورزشی در شرایط تحریم است، روش تحلیل محتوای کیفی به عنوان روش تحقیق انتخاب گردید. تحلیل محتوا روشی نظام‌مند برای توصیف و کمی‌سازی (در معنای کیفی آن) پدیده‌ها از طریق تحلیل نظام‌مند متون مصاحبه و طبقه‌بندی کدها در مقوله‌هایی است که بیانگر مفاهیم اصلی هستند.

در این پژوهش به طور مشخص از رویکرد تحلیل محتوای جهت‌دار بهره گرفته شد. دلیل انتخاب این رویکرد آن بود که از یک سو، ادبیات موجود پیرامون گردشگری ورزشی و آثار تحریم، چارچوب‌های مفهومی اولیه‌ای را فراهم کرده بود که می‌توانست هدایت‌گر مسیر تحلیل باشد و از سوی دیگر، هدف پژوهش نه آزمون فرضیه، بلکه غنی‌سازی و بسط این چارچوب‌ها در بستر خاص ایران و شرایط تحریمی بود. این رویکرد به محقق اجازه می‌دهد با تکیه بر مفاهیم نظری موجود، به سراغ داده‌ها رفته و از طریق آن، به تأیید، اصلاح یا توسعه مفاهیم و مقوله‌های نوظهور بپردازد (Hsieh & Shannon, 2005).

جامعه آماری پژوهش شامل خبرگان و متخصصان حوزه گردشگری ورزشی و مدیریت ورزشی در ایران بود. معیارهای اصلی برای انتخاب مشارکت‌کنندگان عبارت بود از: برخورداری از سوابق اجرایی و عملیاتی در سازمان‌های مرتبط (نظیر وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و وزارت ورزش و جوانان)، یا داشتن پیشینه علمی و پژوهشی و نظریه‌پردازی در دو حوزه گردشگری و ورزش. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و با استراتژی گلوله برفی انجام شد. بدین صورت که پس از شناسایی خبرگان اولیه، از آن‌ها برای معرفی افراد مطلع بعدی کمک گرفته شد. فرآیند نمونه‌گیری تا زمان دستیابی به اشباع نظری ادامه یافت؛ نقطه‌ای که در آن با وجود انجام مصاحبه‌های جدید، مفهوم یا مقوله تازه‌ای به یافته‌ها اضافه نشد و داده‌ها حالت تکرار شونده‌ی پیدا کردند.

برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. این روش با فراهم کردن فضایی انعطاف‌پذیر، امکان کاوش عمیق در تجربیات، ادراکات و دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان را فراهم می‌آورد. پروتکل مصاحبه بر اساس مرور پیشینه پژوهش و پرسش اصلی تحقیق طراحی و پس از مشورت با دو تن از اساتید صاحب‌نظر، اصلاح و نهایی گردید. سؤالات به گونه‌ای طراحی شدند که هم ابعاد بالقوه شناسایی‌شده در ادبیات (نظیر پیامدهای اقتصادی و سیاسی) را پوشش دهند و هم به رویش مفاهیم بومی و غیرمنتظره مجال دهند. محقق اصلی در مجموع ۱۴ مصاحبه به صورت حضوری از ژانویه تا آوریل ۲۰۲۵ انجام داد. طول مدت هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه بود. تمامی مصاحبه‌ها با رضایت کامل و آگاهانه مشارکت‌کنندگان ضبط و سپس کلمه به کلمه پیاده‌سازی شد. همزمان با مصاحبه‌ها، یادداشت‌های میدانی نیز برای ثبت نکات ضمنی و مشاهدات پژوهشگر تکمیل گردید. پس از مصاحبه هشتم، نشانه‌های اشباع پدیدار شد و برای حصول اطمینان، سه مصاحبه دیگر انجام و در نهایت، با ۱۴ مصاحبه، اشباع نظری به‌طور کامل حاصل گردید.

تحلیل داده‌ها بر اساس مراحل نظام‌مند تحلیل محتوای جهت‌دار^۱ و با بهره‌گیری ترکیبی از فرآیندهای کدگذاری باز و محوری انجام پذیرفت. در گام نخست، متن کامل پیاده‌شده مصاحبه‌ها به دفعات مطالعه شد تا محقق به یک درک کلی و غوطه‌وری کامل در داده‌ها دست یابد. سپس، فرآیند کدگذاری آغاز گردید. در مرحله کدگذاری باز، واحدهای معنایی (عبارات، جملات یا پاراگراف‌های حاوی یک مفهوم مشخص) استخراج و با برچسب‌های مفهومی (کدهای اولیه) مشخص شدند. در این مرحله، برای جلوگیری از سوگیری، علاوه بر مفاهیم برگرفته از چارچوب نظری اولیه،

¹ Theoretical Saturation

² Directed Content Analysis

به کدهایی که مستقیماً از داده‌ها برمی‌خاستند نیز توجه ویژه‌ای شد. در ادامه و با ورود به مرحله سازمان‌دهی، کدهای اولیه بر اساس شباهت‌های مفهومی و روابط معنایی در کنار یکدیگر قرار گرفته و ذیل مقوله‌های فرعی و سپس مقوله‌های اصلی (محوری) دسته‌بندی شدند. این فرآیند، رفت و برگشتی و مقایسه‌ای مداوم بود؛ به گونه‌ای که با ظهور کدها و مقوله‌های جدید، طبقه‌بندی‌های قبلی مورد بازبینی و اصلاح قرار می‌گرفتند. نهایتاً، پنج مقوله محوری به‌عنوان پیامدهای کلان توسعه گردشگری ورزشی در شرایط تحریم پدیدار و تعریف شدند.

برای اطمینان از دقت و استحکام یافته‌ها، معیارهای چهارگانه قابلیت اعتماد یعنی باورپذیری، انتقال‌پذیری، تأییدپذیری و قابلیت اتکا در نظر قرار گرفت (Lincoln & Guba, 1985). به‌منظور افزایش باورپذیری، روش درگیری طولانی‌مدت با داده‌ها و بازبینی مداوم فرآیند تحلیل توسط محقق به کار گرفته شد. برای تأمین تأییدپذیری، بخشی از مصاحبه‌های کدگذاری شده و مقوله‌های استخراجی برای دو تن از متخصصان حوزه تحقیق کیفی ارسال و مورد بازبینی و تأیید قرار گرفت. همچنین، به‌منظور افزایش قابلیت اتکای فرآیند تحلیل، مستندسازی دقیق تمامی مراحل کار و تصمیم‌گیری‌های تحلیلی (حسابرسی ممیزی) انجام پذیرفت. نهایتاً، برای تضمین انتقال‌پذیری، تلاش گردید تا توصیفی غنی و عمیق از بافت پژوهش، مشخصات مشارکت‌کنندگان و یافته‌ها ارائه شود تا امکان قضاوت در خصوص تعمیم‌پذیری نتایج برای سایر زمینه‌های مشابه فراهم گردد.

یافته‌های پژوهش

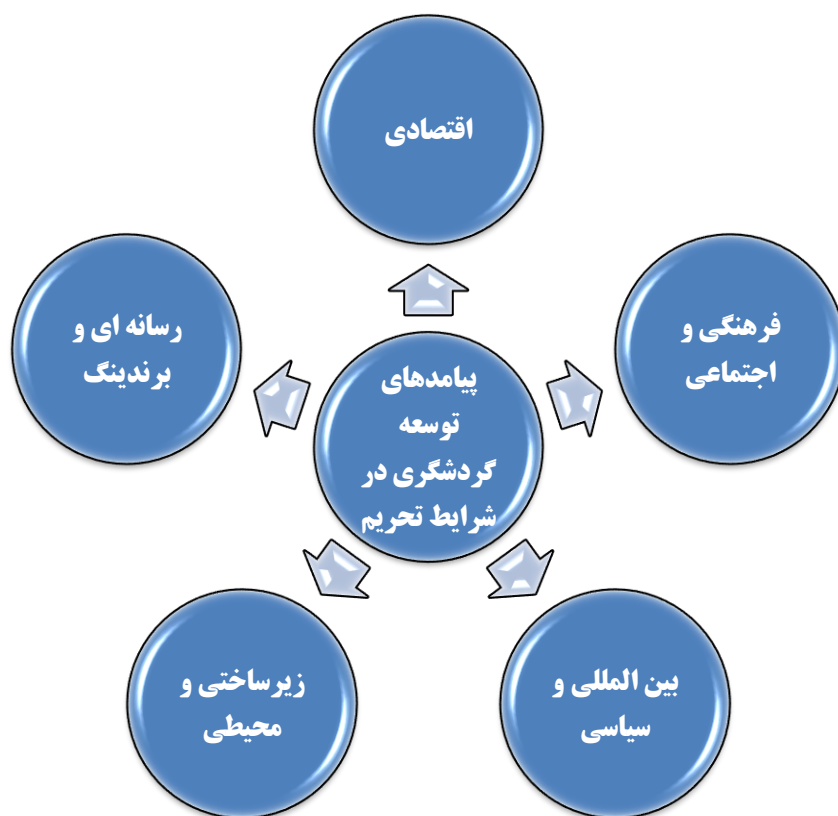
در این بخش از پژوهش، یافته‌های حاصل از تحلیل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان و متخصصان حوزه گردشگری ورزشی ارائه می‌شود. داده‌های گردآوری شده با استفاده از رویکرد نظام‌مند نظریه داده‌بنیاد بر اساس الگوی استراوس و کوربین، در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی مورد تحلیل قرار گرفته است.

هدف اصلی این بخش، شناسایی و تبیین پیامدهای توسعه گردشگری ورزشی در شرایط تحریم است. بر اساس نتایج تحلیل‌های انجام‌شده، پیامدهای استخراج‌شده در قالب پنج مقوله محوری سازماندهی شده‌اند که عبارتند از: پیامدهای اقتصادی، پیامدهای فرهنگی و اجتماعی، پیامدهای بین‌المللی و سیاسی، پیامدهای زیرساختی و محیطی، و پیامدهای رسانه‌ای و برندینگ.

در ادامه، هر یک از این مقوله‌های محوری به همراه مقوله‌های فرعی و انتخابی مرتبط با آنها، با استناد به داده‌های مصاحبه و با حفظ اصالت مفاهیم استخراج‌شده از کلمات مشارکت‌کنندگان، تشریح می‌گردد. شایان ذکر است که یافته‌های حاضر نه تنها ابعاد چندگانه تأثیر تحریم بر گردشگری ورزشی را آشکار می‌سازد، بلکه ظرفیت‌های نهفته این صنعت را برای تبدیل تهدیدهای تحریمی به فرصت‌های توسعه‌ای در کشور نشان می‌دهد.

مقوله محوری	مقوله فرعی	مقوله انتخابی
	افزایش درآمدهای ارزی غیرنفتی	درآمد مستقیم از بلیت‌فروشی رویدادهای ورزشی بین‌المللی
		درآمد حاصل از اقامت، خوراک، حمل‌ونقل گردشگران ورزشی
		عوارض و مالیات‌های مرتبط با میزبانی مسابقات
اقتصادی: رشد اقتصاد ملی از طریق گردشگری ورزشی	اشتغال‌زایی پایدار و توزیع عادلانه در استان‌ها	اشتغال مستقیم: راهنمایان تور ورزشی، مترجمان، کادر فنی رویدادها
		اشتغال غیرمستقیم: صنایع دستی، هتل‌داری، حمل‌ونقل، تبلیغات ورزشی
		ایجاد تعاونی‌های گردشگری ورزشی در مناطق کمتر توسعه‌یافته
فرهنگی و اجتماعی: انسجام ملی و ارتقای سرمایه اجتماعی	جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی	سرمایه‌گذاری در ساخت آکادمی‌های ورزشی با کاربری توریستی
		مشارکت بخش خصوصی در احداث اردوگاه‌های ورزشی تفریحی
		طرح‌های تأمین مالی جمعی برای رویدادهای ورزشی محلی
فرهنگی و اجتماعی: انسجام ملی و ارتقای سرمایه اجتماعی	تقویت برندینگ مقاصد ورزشی و افزایش قیمت املاک	رشد ارزش املاک نزدیک استادیوم‌ها و پیست‌های بین‌المللی
		شکل‌گیری «مناطق ویژه گردشگری ورزشی» با مشوق‌های مالیاتی
		افزایش مشارکت داوطلبانه مردم در رویدادها
فرهنگی و اجتماعی: انسجام ملی و ارتقای سرمایه اجتماعی	کاهش فشار روانی و امیدآفرینی در جامعه	احساس غرور و تعلق ملی از طریق میزبانی‌های ورزشی
		بازنمایی مثبت از آداب و رسوم محلی در رویدادهای جهانی
		شکل‌گیری هویت جمعی حول تیم‌های ملی میزبان
فرهنگی و اجتماعی: انسجام ملی و ارتقای سرمایه اجتماعی	کاهش فشار روانی و امیدآفرینی در جامعه	اثرات روانی مثبت برگزاری مسابقات بزرگ بر نشاط اجتماعی
		کاهش مهاجرت نخبگان ورزشی با فرصت‌های شغلی داخلی
		تبادل سبک‌های زندگی، موسیقی، خوراک و لباس محلی با گردشگران
فرهنگی و اجتماعی: انسجام ملی و ارتقای سرمایه اجتماعی	گفتگوی بین‌فرهنگی و غنی‌شدن فرهنگ بومی	باززنده‌سازی بازی‌ها و آیین‌های سنتی مرتبط با ورزش
		مهاجرت معکوس به روستاها به بهانه تورهای طبیعت‌گردی ورزشی
		کاهش گرایش به مواد مخدر و حاشیه‌نشینی در مناطق با رویدادهای فعال

پوشش مثبت از مهمان‌نوازی ایرانیان در جریان مسابقات جهانی	بازسازی تصویر ایران در رسانه‌های خارجی	بین‌المللی و سیاسی: دیپلماسی ورزشی به‌عنوان اهرم نفوذ نرم	
کاهش ایران‌هراسی با حضور گردشگران ورزشی و انتشار تجربیات واقعی			
میزبانی مشترک رویدادها با کشورهای رقیب تاریخی	افزایش قدرت چانه‌زنی سیاسی از طریق تعاملات ورزشی		
ایجاد کانال‌های ارتباطی غیررسمی با کشورهای فاقد روابط سیاسی	تسهیل فرآیند لغو روادید یا روادید آسان		
توافقات دوجانبه روادید ورزشی			
ایجاد گذرنامه ورزشی برای تردد سریع			
مشارکت شرکت‌های چندملیتی در ساخت استادیوم‌های سبز	افزایش تمایل به سرمایه‌گذاری خارجی در زیرساخت‌های ورزشی		زیرساختی و محیطی: توسعه پایدار فضاهای ورزشی-تفریحی
افزایش درخواست میزبانی از فدراسیون‌های جهانی			
احداث خطوط مترو، بی‌آرتی و پارکینگ‌های هوشمند	بهبود شبکه حمل‌ونقل عمومی به‌سوی اماکن ورزشی		
نوسازی فرودگاه‌های شهرهای میزبان رویدادها	ارتقای استانداردهای زیست‌محیطی در ورزشگاه‌ها و کمپ‌ها		
استفاده از انرژی خورشیدی در استادیوم‌ها			
بازیافت آب در زمین‌های چمن و استخرها			
مقاوم‌سازی و بازآفرینی بافت‌های تاریخی نزدیک ورزشگاه‌ها	ساماندهی بافت فرسوده شهری		
مراکز توانبخشی و ورزش درمانی برای گردشگران سلامت ورزشی	ایجاد مراکز توانبخشی و ورزش درمانی		
ورود ایران به فهرست کشورهای میزبان محبوب رویدادها	رتبه‌بندی جهانی در شاخص قدرت نرم ورزشی	رسانه‌ای و برندینگ: ارتقای برند ملی ایران	
جذب اینفلوئنسرهای ورزشی خارجی برای بازدید از ایران	تولید محتوای الهام‌بخش		
تولید مستند، فیلم و گزارش‌های ورزشی با بازنمایی ایران زیبا			
رقابت در جذب تورهای تمرینی تیم‌های ملی	رقابت‌پذیری با کشورهای همسایه		
برگزاری لیگ‌های ترکیبی (ورزش + تور تاریخی)	تبدیل شدن ایران به قطب برگزاری لیگ‌های ترکیبی		



شکل ۱. پیامدهای توسعه گردشگری در شرایط تحریم

بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش، شناسایی و تبیین پیامدهای توسعه گردشگری ورزشی در شرایط تحریم‌های بین‌المللی بود. یافته‌ها نشان داد که علی‌رغم محدودیت‌های چندلایه ناشی از تحریم (مالی، حمل‌ونقلی، رسانه‌ای و ادراکی)، گردشگری ورزشی می‌تواند پنج گروه پیامد مثبت به همراه داشته باشد: اقتصادی، فرهنگی-اجتماعی، بین‌المللی-سیاسی، زیرساختی-محیطی و رسانه‌ای-برندینگ. این یافته‌ها در مقایسه با پژوهش‌های پیشین، هم تأکیده‌های مشترک و هم تفاوت‌های معناداری دارند.

همسویی با ادبیات موجود

یافته‌های این پژوهش با مطالعات پیشین که به نقش گردشگری ورزشی در رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی اشاره داشته‌اند (Li & Ling, 2025; Chen & Pu, 2025) همسو است. همچنین، تأکید بر دیپلماسی ورزشی به عنوان ابزاری برای بازسازی تصویر مقصد و کاهش ایران‌هراسی، یافته‌های پژوهش‌هایی نظیر (Chung et al, 2025) را تقویت می‌کند. از سوی دیگر، پیامدهای فرهنگی-اجتماعی نظیر کاهش فشار روانی و امیدآفرینی، در پژوهش‌های پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته بود و این مطالعه این خلأ را تا حدی پر کرده است.

نوآوری و تمایز پژوهش

نوآوری اصلی این پژوهش در مقایسه با ادبیات موجود در سه نکته خلاصه می‌شود:

اول: اکثر مطالعات پیشین بر پیامدهای منفی و بازدارنده تحریم بر گردشگری متمرکز بوده‌اند (Khalid et al., 2024)، اما یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تحریم، اگرچه مانع‌آفرین است، می‌تواند محرکی برای توسعه درون‌زا و تاب‌آور گردشگری ورزشی نیز باشد. به عبارت دیگر، شرایط تحریم، کشور را به سمت استفاده حداکثری از ظرفیت‌های داخلی، جذب سرمایه‌های جمعی و تمرکز بر بازارهای منطقه‌ای سوق می‌دهد.

دوم: در حالی که پژوهش‌های پیشین در ایران عمدتاً بر گردشگری عمومی ورودی متمرکز بوده‌اند (گرچی و همکاران، ۱۴۰۲). این مطالعه به طور خاص زیربخش گردشگری ورزشی را با ویژگی‌های منحصر به فرد آن (رویدادمحوری، نیاز به زیرساخت‌های ویژه و قابلیت جذب رسانه‌ای) مورد بررسی قرار داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که گردشگری ورزشی به دلیل قابلیت بازسازی سریع تصویر برند ملی و ایجاد هیجان جمعی در مقیاس وسیع، می‌تواند کارآمدترین زیربخش گردشگری برای مقابله با آثار روانی و رسانه‌ای تحریم باشد.

سوم: مدل پارادایمی مستخرج از این پژوهش، برخلاف مدل (غریب زاده، ۱۴۰۲) متغیر تحریم را نه به عنوان یک عامل حاشیه‌ای، بلکه به عنوان یک «شرط زمینه‌ای مرکزی» در نظر گرفته است که تمامی استراتژی‌های توسعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مدل نشان می‌دهد که در شرایط تحریم، مسیرهای سنتی جذب سرمایه و گردشگر خارجی مسدود می‌شوند، بنابراین باید مسیرهای جایگزینی نظیر گردشگری سلامت ورزشی، تورهای ترکیبی، و میزبانی از کشورهای همسود دنبال شوند.

تبیین روابط میان مقوله‌ها

تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که میان پنج مقوله محوری، روابط متقابل و تقویت‌کننده‌ای وجود دارد. برای مثال، پیامدهای رسانه‌ای و برندینگ (ارتقای برند ملی) مستقیماً بر پیامدهای بین‌المللی و سیاسی (افزایش قدرت چانه‌زنی و کاهش ایران‌هراسی) اثر می‌گذارد. همچنین، پیامدهای زیرساختی (بهبود حمل‌ونقل و استانداردهای زیست‌محیطی) بستر لازم برای تحقق پیامدهای اقتصادی (جذب سرمایه و اشتغال) را فراهم می‌کند. این روابط نشان می‌دهد که توسعه گردشگری ورزشی در شرایط تحریم یک پروژه سیستمیک و میان‌بخشی است و نمی‌توان آن را به یک وزارتخانه یا سازمان خاص محدود کرد.

تفسیر یافته‌ها در بستر ایران

یافته‌های این پژوهش در بافتار خاص ایران - با تحریم‌های طولانی‌مدت، ظرفیت‌های طبیعی کم‌نظیر و جمعیت جوان - معانی مشخصی دارد. ایران برخلاف بسیاری از کشورهای تحریم‌شده، از زیرساخت‌های ورزشی نسبتاً توسعه‌یافته (مانند استادیوم‌های استاندارد، پیست‌های اسکی، جزایر گردشگری و...) و تنوع اقلیمی استثنایی برخوردار است. این ظرفیت‌ها امکان «جایگزینی واردات گردشگری» را فراهم می‌کنند؛ به این معنا که می‌توان گردشگران

ورزشی منطقه‌ای (از کشورهای همسایه و همسو) را جایگزین گردشگران اروپایی کرد. همچنین، تاکید بر اقتصاد مقاومتی در اسناد بالادستی ایران، با راهبردهای مستخرج از این پژوهش نظیر «تأمین مالی جمعی رویدادها» و «تشکل تعاونی‌های محلی» همخوانی کامل دارد.

پاسخ به پرسش اصلی پژوهش - «پیامدهای توسعه گردشگری ورزشی در شرایط تحریم چیست و چه کمکی می‌تواند به ایران برای برون‌رفت از وضعیت تحریمی کند؟» - در قالب دو بخش ارائه می‌شود:

پیامدهای اصلی

توسعه گردشگری ورزشی در شرایط تحریم می‌تواند پنج دسته پیامد کلیدی به همراه داشته باشد:

اقتصادی: رشد درآمدهای ارزی غیرنفتی، اشتغال‌زایی پایدار (به ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته)، جذب سرمایه‌های داخلی و جمعی، و افزایش ارزش املاک ورزشی.

فرهنگی-اجتماعی: انسجام ملی، کاهش فشار روانی ناشی از تحریم، امیدآفرینی، کاهش مهاجرت نخبگان و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی.

بین‌المللی-سیاسی: بازسازی تصویر ایران در رسانه‌های خارجی، کاهش ایران‌هراسی، افزایش قدرت چانه‌زنی سیاسی از طریق دیپلماسی ورزشی، و تسهیل تعاملات بین‌المللی.

زیرساختی-محیطی: بهبود حمل‌ونقل عمومی، ارتقای استانداردهای زیست‌محیطی، ساماندهی بافت فرسوده شهری و ایجاد مراکز ورزش درمانی.

رسانه‌ای و برندینگ: ارتقای رتبه ایران در شاخص قدرت نرم ورزشی، تولید محتوای الهام‌بخش و رقابت‌پذیری با کشورهای همسایه.

کمک به برون‌رفت از وضعیت تحریم

گردشگری ورزشی می‌تواند به سه شیوه اصلی به ایران برای مقابله با آثار تحریم کمک کند:

اول: ایجاد کانال‌های ارتباطی غیررسمی با کشورهایی که روابط سیاسی رسمی با ایران ندارند. رویدادهای ورزشی بستری برای گفتگوهای سطح پایین، تبادلات علمی-ورزشی و اعتمادسازی تدریجی فراهم می‌کنند که می‌تواند در بلندمدت به کاهش تنش‌های سیاسی منجر شود.

دوم: بازسازی برند ملی از طریق «دیپلماسی عمومی معکوس». به جای اینکه رسانه‌های غربی تصویر ایران را بسازند، حضور گردشگران ورزشی (که اغلب افراد تأثیرگذار در شبکه‌های اجتماعی خود هستند) و انتشار تجربیات واقعی از سفر به ایران، می‌تواند کلیشه‌های منفی را بشکنند و «ایران‌هراسی» را کاهش دهد.

سوم: توسعه درون‌زا و تاب‌آور که اتکا به خارج را کاهش می‌دهد. با تأکید بر سرمایه‌گذاری جمعی، تعاونی‌های محلی و بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های داخلی، اقتصاد گردشگری ورزشی در برابر شوک‌های خارجی مقاوم‌تر می‌شود و می‌تواند الگویی برای سایر بخش‌های اقتصادی در شرایط تحریم باشد.

بنابراین، گردشگری ورزشی نه تنها یک فعالیت تفریحی-اقتصادی، بلکه یک راهبرد ژئوپلیتیکی هوشمندانه برای تبدیل تهدید تحریم به فرصت توسعه پایدار است. سرمایه‌گذاری هدفمند در این حوزه، با رویکردی میان‌بخشی و تاب‌آور، می‌تواند نقشی کلیدی در عبور ایران از شرایط تحریمی و بازسازی جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی آن ایفا کند.

منابع

آریایار، رضا، نگهداری، فاطمه و محمدزاده، آرزو. (۱۴۰۵). ارائه مدل نقش توسعه گردشگری ورزشی بر اشتغال‌زایی. *جغرافیا و روابط انسانی* 9(1), 254-268. doi: 10.22034/gahr.2025.505428.2389

بروجردی، سعید؛ منصور، حسین و اسدی، سحر (۱۴۰۲). توسعه مقاصد گردشگری ورزشی در کشورهای در حال ظهور: مطالعه موردی دریاچه زریبار در ایران، مجله ورزش و گردشگری.

علیدوست قهفرخی، ابراهیم، خدادادی، محمدرسول و شهبازی، رضا. (۱۴۰۴). شناسایی عوامل مؤثر بر بازاریابی گردشگری ورزشی در ایران. *جغرافیا و روابط انسانی* 7(4), 103-122. doi: 10.22034/gahr.2024.485690.2297

غریب‌زاده، مهدی؛ صفایا؛ نقشبندی، صلاح‌الدین و فراهانی (۱۴۰۲). ارائه مدلی برای توسعه تورهای ورزشی در صنعت گردشگری.

گرچی، ابوالفضل و گارسبا، فرناندو (۱۴۰۲). تصویر ادراک‌شده گردشگران از مقصد و نیت رفتاری نسبت به یک مقصد تحریم‌شده: مقایسه بازدیدکنندگان و غیربازدیدکنندگان، مجله مدیریت گردشگری.

Chen, L., & Pu, B. (2025). The Rise and Prospect of China's Sports Tourism Economy. *Journal of Economics, Business and Management*, 192-198. doi:10.18178/joebm.2025.13.2.866

Chung, J. Y., Paik, W., & Kim, Y. H. (2025). Tourism sanctions as a means of China's economic statecraft: an fsQCA analysis. *Anatolia*, 36, 395-407. (2)

Fauzi, R. A., Saputra, Y. M., Ma'mun, A., Nuryadi, N., & Handayani, S. R. (2025). Evaluation of sports tourism development policy in Sumedang: An

- implementation of the logic model. *Journal of Human Sport and Exercise*, 20(1), 302-315 .
- Khalid, U., Okafor, L., & Burzynska, K. (2024). Sanctions and tourist flows: The roles of religion and geography. *Annals of Tourism Research Empirical Insights*, 5(2), 100143 .
- Kvale, S. (1996). *InterViews: an introduction to qualitative research interviewing*: Sage.
- Li, F. S., & Zhang, G. (2021). Border resident perceptions of sanctions and tourism: A case study of North Korea. *Tourism Management Perspectives*, 38, 100821 .
- Li, R., & Ling, X. (2025). The Impact of Sustainable Sports Tourism on Economic Growth in Guangzhou: An Empirical Study. *Journal of Humanities, Arts and Social Science*, 9 .(۱۲)
- Rangkuti, Y. A., Setyawati, H., Hartono, M., & Hidayah, T. (2024). New model of sports tourism with sustainable tourism development to increase tourist arrivals in Central Aceh Regency, Indonesia. *Frontiers in Sports and Active Living*, 6, 1421 .۳۶۳
- Raso, G., & Cherubini, D. (2023). sport tourism and regional economic development. *Scientific Journal of Sport and Performance*, 3(1), 108-121. doi:10.55860/jkwx7277
- Surahman, F., Rahayu, S., Nasuka, N., Sumartiningsih, S., Setyawati, H., Hidayah, T , . . . Sabillah, M. I. (2025). Exploring the potential of natural resources and cultural heritage in Karimun regency (Indonesia): the road to sports tourism development. *Retos*, 69, 811-821 .